

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Re-Identifying and evaluation of the landscape elements of neighborhoods in
Gorgan city during evolution
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بازشناسی و ارزیابی عناصر منظر محلات شهر گرگان در دوران تحول*

مرتضی همتی^{۱*}، آذرنوش امیری^۲، غزال نفیسی^۳، سارا شکوه^۴، الهام پوربلورچیان^۵، سیده فرزانه احسانی اسکویی^۶

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۵. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۶. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۸ تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۰ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۱/۰۱

چکیده

محلّه یکی از مهم‌ترین اجزای شکل‌دهنده سازمان فضایی شهرهای ایرانی و به عنوان یک مکان جغرافیایی-تاریخی مفهومی منظرین است که یکی از کانون‌های بروز حیات اجتماعی و خاطرات جمعی، دارای ابعادی نمادین بوده که شناخت منظر آن منوط به مطالعه و بررسی دقیق آن است. شهر گرگان به عنوان یکی از مراکز مهم تمدن در شمال ایران، دارای الگوهای متنوع و ترکیب منحصر به فردی از محلات است. با این حال به نظر می‌رسد در قرن اخیر با تحولات اساسی که تحت تأثیر تعابیر مدرنیستی از شهرها در نظام شهری صورت گرفته، زندگی مبتنی بر محلات دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری شده است. در تحولات این دوره، کانون‌های زندگی بخش گذشته که حاوی مفاهیم عمیقی از زندگی ساکنین گذشته و حال این شهر بوده نادیده انگاشته شد و به مرور موجب از میان رفتن تدریجی جریان زندگی در آنها شد. به نظر می‌رسد نخستین گام در احیای محلات گرگان، بازشناسی کل‌نگر به تمامی ابعاد مکانی آن -طبیعی و فرهنگی- در این دوران است. نگرش منظرین به عنوان یکی از رویکردهایی که به شناخت همه‌جانبه ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی مکان می‌پردازد در بازشناسی ابعاد مکانی محلات گرگان راهگشا باشد. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال آن است که با شناخت منظر محلات گرگان، بیان عناصر منظر آن، همچنین بررسی عوامل تحول این عناصر و آسیب‌شناسی و ارزیابی آن تحلیلی از وضع موجود عناصر منظر محلات ارائه نماید. این جستار ابتدا به بیان مفهوم منظر محلّه در شهرهای ایرانی می‌پردازد، سپس با بررسی لایه‌های طبیعی و فرهنگی محلات گرگان، عناصر منظر آن را ارائه می‌نماید. پس از آن، با معرفی جریان تحول و اثرگذاری آن بر نظام شهری گرگان، منظر محلات گرگان تحت تأثیر این تحولات مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: منظر محلّه، عناصر منظر، شهرگرگان، دوران تحول.

مقدمه

در پی انقلاب صنعتی اروپا دگرگونی‌های بزرگی در بسیاری

از نظام شهرهای سنتی صورت گرفت که با تحولات کالبدی و معنایی وسیعی همراه بود و اغلب در امتداد تاریخی گذشته شهر قرار نمی‌گرفت. در ایران نیز طی حدود ۱۰۰ سال گذشته، بسیاری از شهرها دستخوش تغییرات بنیادی در سازمان فضایی که از آن با عنوان دوران تحول^۱ یاد می‌شود. احداث خیابان‌های

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی گردشگری منظر بومی گرگان است که در سال ۱۳۹۸ در پژوهشکده نظر و به سرپرستی دکتر سید امیر منصوری صورت پذیرفته است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۰۷۰۴۳۲۹، hemmati.m@ut.ac.ir

منظر محله شهر ایرانی

در ترکیب شهر ایرانی، واحدهای نیمه‌مستقلی دیده می‌شود که همه سطح شهر را پوشش داده‌اند. این واحدها که به عنوان کلیت‌های کالبدی و اجتماعی مستقل در دوران پس از اسلام در شهرهای ایرانی وجود داشته‌اند، محله نامیده می‌شوند. از انواع تقسیم‌هایی که برای فضاهای شهری، از سطح خرد تا کلان، در سراسر جهان در نظر می‌گیرند، به نظر می‌رسد مقیاس و سطح «محله» از همه قدیمی‌تر و فراگیرتر است. این فراگیری تصادفی نیست و نشان از اهمیت و ارزش محله در زندگی بشر دارد (براتی، ۱۳۹۱). محله‌ها در حکم عناصر اصلی سیستم شهر، به شمار می‌آیند که به صورت مجموعه‌ای از اجزای بهم پیوسته عمل کرده ولی در کلیت و موجودیت خود دارای استقلال هستند. این عناصر که می‌توان آنها را کل‌های کوچک نامید، از طریق ساختار با یکدیگر و مرکزیت شهر ارتباط داشته‌اند. محله‌ها، نظام‌های منسجم پیچیده اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی با ابعاد وجودی متعددی هستند (عبداللهی، صرافی و توکلی‌نیا، ۱۳۸۹). دارا بودن مرز و محدوده مشخص، حس همبستگی و روابط متقابل میان ساکنان، هویت جمعی و اشتراک اهداف، یکپارچگی فضا و فعالیت، خودکفایی نسبی و جمعیت متناسب از مضامین مشترک در تعریف محله بوده است (بحرینی و مجدزاده، ۱۳۹۲). همچنین موسوی معتقد است هویت محله به عنوان واحدی نظام‌یافته در زندگی شهری دارای دو رکن اساسی ارتباط با حرکت و یگانگی اجتماعی است (موسوی، ۱۳۹۱). در شهر اسلامی، اختصاص هر محله به قوم، نژاد، مذهب یا صنفی خاص موجب شکل‌گیری پیوندی عمیق میان اعضای آن محله به واسطه شباهت‌های آنها می‌شد. همبستگی میان افراد یک محله و حفاظت از گروه اجتماعی خود در مقابل دیگران، موجب خودکفایی نسبی محلات در زمینه خدمات و تأسیسات لازم بود. همبستگی اجتماعی-فرهنگی سبب عوامل روانی تعلق به محله و پیروی افراد از آداب و رسوم واحد و همچنین احساس تمایز نسبت به ساکنان دیگر محله‌ها بود. ساکنان نسبت به یکدیگر و محله، دارای وظایف و حقوق خاصی بودند و خود را جزئی از جمع، و بقا و آسایش خود را در کارایی و قدرت مجموعه می‌دیدند. این احساس همبستگی شدید، باعث تمایز نسبت به دیگر ساکنان شهر و محله‌ها می‌شد. روابط اجتماعی حاکم به صورت بسیار ظریفی در شکل‌گیری و استخوان‌بندی محله مؤثر بود و شبکه ارتباطی و مرکز محله و دیگر عناصر کالبدی

عریض مستقیم‌الخط سرتاسری که مخاطب اصلی آن اتومبیل شهروندان بود، سبب شد تا نظام محله‌ای شهرهای ایران به کلی دگرگون شوند. پیش از آن، سازمان فضایی شهر ایرانی به واسطه محله‌های خود و از طریق نظام‌های کالبدی، نمادپردازانه، عملکردی، معیشتی، هویتی، معنایی و ... پاسخگوی نیازهای مخاطبان خود بودند. با این حال با ورود نظام جدید، مراکز محله در بسیاری از شهرهای ایران چه به لحاظ کالبدی و چه معنایی دچار اضمحلال شدند. بافت تاریخی شهر گرگان نیز به عنوان یکی از ارزشمندترین بافت‌های تاریخی کشور^۲ و همچنین وسیع‌ترین بافت تاریخی شمال ایران از این موضوع مستثنی نبود. انتظام شهر در بافت تاریخی گرگان برپایه محلات مستقلی با مراکز محله است که در دوران قاجار مهم‌ترین آنها محله‌های بزرگتر با نام‌های سرپیر، دربنو، میخچه‌گران، نعلبندان، سبزه مشهد و میدان محله‌های فرعی مثل پاسرو، میرکریم، دوشنبه‌ای، شیرکش، باغشاه، دباغان، شاهزاده قاسم و ... بودند. با این حال زندگی مبتنی بر حضور اتومبیل و نیازهای جدید ساکنین به مرور از اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی تغییراتی را آغاز کرد که سبب شد تا علی‌رغم حفظ کالبد در برخی از این محلات، معنای محله تا حد زیادی از میان برود. این پژوهش به دنبال آن است با بازشناسی عناصر منظر محلات گرگان و بیان عوامل تحول، به ارزیابی اثرگذاری این عوامل بر عناصر منظر محلات گرگان بپردازد.

سؤال پژوهش

عناصر شکل‌دهنده منظر محلات گرگان کدامند؟ عوامل تحول منظر گرگان چیست؟ با تحولات منظر محلات گرگان، عناصر منظر چگونه ارزیابی می‌شوند؟

روش تحقیق

با توجه به آنکه هدف کلی این پژوهش بررسی و مشاهده تفصیلی ابعاد مختلف منظر محلات شهر گرگان و تفسیر داده‌های به دست‌آمده از آن با دیدگاهی کل‌گرا بود، روش تحقیق مطالعه نمونه موردی انتخاب شد. در این پژوهش منظر محلات شهر گرگان به عنوان یک سیستم که شامل عناصر و روابط فرهنگی ویژه‌ای است مورد بررسی قرار گرفت و سعی بر درک اجزا و فرایندهای این نظام بود. عموم داده‌های کمی پژوهش به صورت میدانی و از طریق مشاهده به دست آمده که پس از آن با داده‌های کتابخانه‌ای تدقیق و ترکیب شده است.

بزرگتر به نام شهر است، ایجاد می‌شود. یونسکو شناخت منظر شهری تاریخی را از طریق شناخت ابعاد طبیعی - یا جنبه‌های جغرافیایی - و فرهنگی - یا جنبه‌های تاریخی - آن ممکن می‌داند: منظر شهری تاریخی، محدوده شهری است که در پی لایه‌بندی تاریخی ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی درک می‌شود نه تنها مفهوم آن گسترده‌تر از شناخت صرف مراکز و مجموعه‌های تاریخی است، بلکه شامل بستر شهری و زمینه‌های جغرافیایی آن نیز می‌شود. گستره این بستر شامل توپوگرافی و شیب زمین، ریخت‌شناسی زمین، آب‌شناسی و دیگر جلوه‌های طبیعی، محیط مصنوع تاریخی و معاصر، زیرساخت‌های روی و زیر زمین، فضاهای باز و باغ‌هایش، الگوهای کاربری اراضی و سازماندهی فضایی آن، ادراک و ارتباطات بصری و سایر عناصر ساختارهای شهری است. همچنین شامل رفتارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و فرایندهای اقتصادی و ابعاد غیرملموس میراث است که به تنوع و هویت مربوط می‌شوند (UNESCO, 2011). این تعریف بیانگر ادراک منظر به عنوان یک کلیت است که عناصر آن در ادغام با یکدیگر ادراک می‌شوند. بنابراین اگرچه در فرآیند شناخت و پژوهش منظر، لایه‌های مفهومی به طور فرضی از یکدیگر جدا می‌شوند ولی باید توجه داشت که شناخت منظر مستلزم برهم‌گذاری این لایه‌هاست. مطهری‌راد براساس بند ۸ و ۹ توصیه‌نامه یونسکو یک دسته‌بندی ارائه داده است که لایه‌های منظر شهری تاریخی را معرفی می‌نماید (مطهری‌راد، ۱۳۹۵)؛ (تصویر ۱).

محلات گرگان

شهر گرگان به عنوان یکی از مراکز مهم تمدن در شمال ایران، دارای الگوهای متنوع و ترکیب منحصر به فردی از زندگی محله‌ای است. سازمان فضایی شهری در بافت

مانند انبار، مسجد، حسینیه، سقاخانه و حمام را تعریف می‌کرد. تحت تأثیر چنین شرایط اقتصادی و اجبار به خودکفابودن نسبی، در هر محله تأسیسات اقتصادی ویژه‌ای برپا می‌شد و مرکزی در خود داشت که همه‌ی مایحتاج روزانه و کوتاه‌مدت محله را فراهم می‌ساخت. بافت کالبدی محله به عنوان تبلور شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه دارای انسجام و همگنی خاصی بود. به عبارت دیگر، عوامل مذکور باعث به وجود آمدن عناصر کالبدی محله می‌شد. مجموعه‌ای از عناصر مذکور در مراکز مسکونی، محیطی را پدید می‌آورد که نمایانگر روابط متقابل ساکنان در ارتباط روزمره آنان بود (حسینی و سلطانی، ۱۳۹۷).

نگرش منظرین، رویکردی توأمان به وجوه جغرافیایی و فرهنگی پدیده‌ها و کشف ارتباط درهم‌تنیده آنها در خلال نمادهایشان است. منظر به مثابه یک دارایی مشترک برای موجودات زنده است که از یک سو محیط جغرافیایی و سرزمین و از سوی دیگر گروه‌های انسانی موجود در آن مکان را شامل می‌شود. منظر در واقع مکانی است که ساکنانش در آن تفکر کرده و آن را زیستگاه می‌پندارند (دونادیو، ۱۳۹۲). چنان‌که تقوایی منظر را رابطه‌ای میان الگوهای طبیعی و فرهنگی، فرایندهای تشکیل‌دهنده آن و ادراک انسان از زیبایی این مجموعه بیان می‌دارد (تقوایی، ۱۳۸۳). اگر منظر را کلیتی دربرگیرنده از مفاهیم جغرافیایی و تاریخی بدانیم که با مرکزیت انسان تعریف و از طریق نمادهای آن ادراک می‌شود، آنگاه منظر محله را می‌توان یکی از انواع مناظر شهری دانست که در محله - به عنوان مفهومی جغرافیایی و تاریخی - شکل می‌گیرد. منصوری منظر شهری را ادراک شهروندان از شهر از خلال نمادهای آن تعریف کرده است (منصوری، ۱۳۸۹). بنابراین می‌توان منظر محله را نیز ادراکی دانست که از طریق نمادهای مرتبط با آن که خود جزئی از سازماندهی



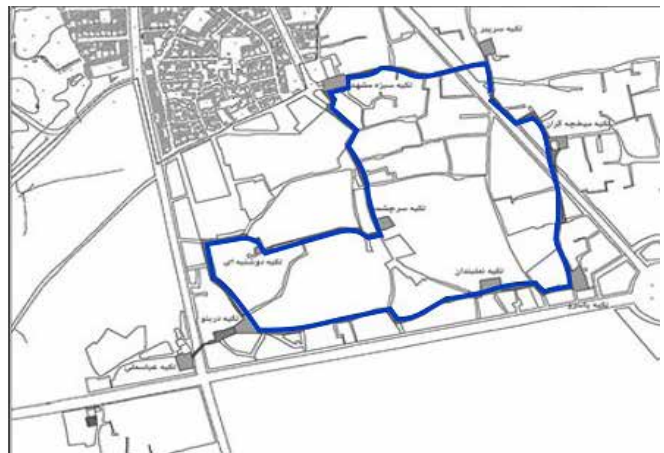
۱۳۹۶). چنان‌که آورده شد، منظر محله به عنوان یکی از انواع مناظر شهری، ادراکی است که شهروندان از طریق نمادهای آن صورت می‌دهند، و مطابق تصویر ۳، به منظور فهم منظر باید لایه‌های طبیعی و فرهنگی بازشناسی شود. بنابراین شناخت منظر محلات گرگان منوط به شناخت عناصر آن در لایه‌های طبیعی و تاریخی آن است.

الف. عناصر طبیعی: شاخص‌ترین عناصر طبیعی منظر محلات گرگان، «شیب زمین» و «زیرساخت آبی» آن است. پیش از هرچیز، محله‌های گرگان دارای کوچه و پس‌کوچه‌هایی هستند که بر شیب‌هایی متنوع قرار گرفته‌اند و منشأ آن ارتفاعات مناظر جنگلی جنوب است که به سمت مناظر ساحلی شمال شیبی نسبی ایجاد نموده است. این نکته قابل توجه است که کوچه‌های شیب‌دار در رسیدن به مراکز محله عموماً مسطح شده‌اند تا سطحی اجتماعی‌پذیر فراهم آید. علاوه بر آن به طور آشکار در محدثاتی چون خانه‌ها، مساجد و ... که محل مکث و حضور مداوم مخاطبان است، شیب تسطیح شده است. بنابراین فضاهای عبوری مانند کوچه‌ها و گذرهای محله، تنها مکان بروز این عارضه طبیعی هستند. عنصر دوم، حضور زیرساخت‌های آبی است. عناصر محله مکان‌هایی برای بروز خدمات عمومی و منطبق بر زیرساخت‌های آبی بستر است. چنان‌که محلات گرگان بر بستر حدود ۸۰ رشته قنات قرار دارد که علاوه بر تأمین آب مکانیت بروز منظر محلات را نیز معین می‌نمایند. همچنین ظهور خدمات شهری چون حمام‌های تاریخی میخچه‌گران،

تاریخی گرگان بر پایه محلات مستقلی بنا شده است که هرکدام کلیت‌هایی از کالبد، مفاهیم و عملکردهایی قابل تشخیص را ارائه می‌دهند. شهر گرگان در دوران قاجار دارای شش محله اصلی و چندین محله فرعی بوده است (تصویر ۲). شهر به چندین محله بزرگ تقسیم می‌شد و هر محله، واحد اجتماعی و کالبدی با چند هزار نفر جمعیت بود. بافت اولیه شهر متشکل از سه محله سبزه‌مشهد، نعلبندان و میدان بوده است که به تدریج با گسترش شهر و افزایش جمعیت محلات دیگری نیز در جهت شرق و جنوب شرقی به آن اضافه شدند. هرکدام از محلات به طور جداگانه دارای چند گذر و یک میدانگاه بودند که غالباً شکل هندسی آنها چندضلعی، مربع یا مستطیل بود. در میدان، گاهی عناصری چون تکیه، قبرستان، آب‌انبار، مسجد، حمام و مدرسه قرار داشت که نمونه‌ای از آن را می‌توان در میدان عباسعلی، سبزه‌مشهد، میخچه‌گران و درب‌نو نام برد (موسوی سروینه باغی، مرادی و رنجبر، ۱۳۹۴، ۵). به طور کلی محله‌ها در شهر گرگان فضاهایی با کارکردهای اجتماعی، مذهبی و اقتصادی و ابعاد طبیعی و فرهنگی متعددی هستند که نقش مهمی در حفظ حیات بافت کهن شهر ایفا می‌نمودند.

مؤلفه‌های منظر محلات گرگان

تعریف منظر وابسته به دو مؤلفه محیط - که انسان را در بر می‌گیرد - و انسان - که درصدد درک و ارتباط با محیط بدان ورود می‌کند - است (ماهان و منصور،



تصویر ۲. راست: مسیر عمومی دسته‌های سینه‌زنی شهر گرگان در شب‌های سوم تا ششم محرم، مأخذ: مقسمی و اسپو محلی، ۱۳۹۵. چپ: مرزبندی محله‌های تاریخی گرگان، مأخذ: موسوی سروینه و همکاران، ۱۳۹۴

(جدول ۲). از طرفی تمامی آنها با صورتی متکثر از مصالح و تزئینات متعدد شکلی متمایز در طول زمان به وجود آمده‌اند که امروزه به ویژگی شاخص فرمی این کوچه‌ها در قیاس با کوچه‌های محلات شهرهای مرکزی ایران تبدیل شده است. استفاده از مصالح متنوعی چون سفال، آجر، چوب و گچ به همراه تزئینات متنوع فرمی منحصر به این شهر است **(تصویر ۳)**. همچنین یکی از مهم‌ترین عناصر منظر محلات گرگان در این مکان بروز می‌یابد که کاربری آن «تکیه» است و به نظر می‌رسد از دوره قاجار در این مکان‌ها ساخته شده‌اند **(موسوی سروینه باغی، مرادی و رنجبر، ۱۳۹۴)**. مراکز محله در گرگان با کاربری تکایا به قدری درهم‌تنیده‌اند که گاه آنها را به جای یکدیگر به کار می‌برند -مانند تکیه عباسعلی و سبزه‌مشهد- و مرز معینی نمی‌توان برای تمایز آنها بیان نمود. تکیه‌های گرگان با شکلی مشابه در طبقات فوقانی با کالبدی شفاف و رو به مرکز تشخیص یافته است. آنچه قابل توجه است حیات پایدار تکایا^۲ به نسبت دیگر عملکردهای محله است. نظیف در این مورد می‌آورد: «اگرچه فضاهایی چون آب انبار، حمام و کاروانسرا امروزه به علت شرایط متفاوت اجتماعی عملاً از اعتبار گذشته خود افتاده‌اند در عین حال فضاهایی مذهبی مانند مساجد و خصوصاً تکایا همچنان به حیات خود ادامه داده و نقش کلیدی در پایداری مراکز محلات داشته‌اند» **(نظیف، ۱۳۹۰)**. از

قاضی و دباغان، آب‌انبارهایی چون میرکریم، مظاهر قناتی چون سبزه‌مشهد، سرخواجه و حتی تسمیه‌ای چون محله سرچشمه، حاکی از جریان آبی زاینده است که از مؤلفه‌های منظر گرگان به شمار می‌آید. ب. عناصر فرهنگی: مرکز محله‌های گرگان به صورت یک کلیت مصنوع انسجام یافته و دارای ویژگی‌های کالبدی و معنایی متمایزی هستند که موجب تشخیص آن از نمونه‌های دیگر در شهرهای مرکزی و جنوبی ایران شده است. این عناصر تحت تأثیر ویژگی‌های تاریخی، منظری به وجود آورده‌اند که منحصر به این مکان است. «مراکز محله» در گرگان یکی از مهم‌ترین عناصر منظر محلات هستند. در گرگان غالب مراکز محله با کاربری مذهبی تکیه ادغام شده‌اند -مانند میخچه‌گران، پاسرو، سبزه‌مشهد، درب‌نو و ...- و در آنها طبقات فوقانی به تکیه و طبقه همکف به کاربری‌های خدماتی و تجاری روزمره محله می‌پردازد **(معطوفی، ۱۳۹۴؛ مقسمی و اسپو محلی، ۱۳۹۵)**. مراکز محله مکان جمعی برای بروز ابعاد خدماتی، معیشتی، مذهبی و اجتماعی در مقیاس محله است. از طرفی تمامی آنان دارای ویژگی‌های فرمی متمایزی هستند. اگرچه مراکز محلات فاقد فرم هندسی همسان است، اما در جداره آنها ارتفاع ساخت حدود ۵ متر در دو طبقه و همچنین در فضای باز با مقایسه نسبت طول و عرضشان می‌توان به نسبت مشابه حدود ۱/۵ رسید

جدول ۱. عناصر مرکز محلات گرگان، مأخذ: نگارندگان.

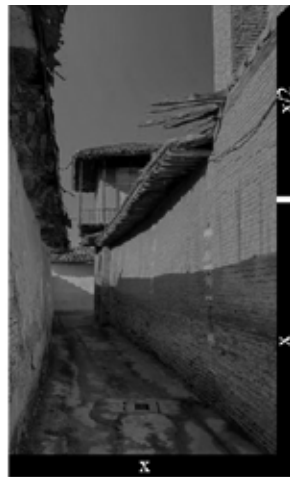
عناصر منظر محلات گرگان		عناصر طبیعی	شیب زمین
		عناصر فرهنگی <td>شیب زمین</td>	شیب زمین
	عناصر طبیعی	از مشخصه‌های بارز منظر طبیعی گرگان قرارگیری بر بستری شیب‌دار است که بیشترین مکان بروز آن فضاهای عبوری مانند کوچه‌ها و گذرهای محله هستند.	
	عناصر فرهنگی	محللات گرگان بر بستر حدود ۸۰ رشته قنات قرار دارد که علاوه بر تأمین آب مکان بروز رویدادهای منظرین محللات را معین می‌نمایند.	زیرساخت آبی
	عناصر فرهنگی	مراکز محله مهم‌ترین مکان بروز تعاملات اجتماعی و خاطرات جمعی ساکنین است. بخش عمده‌ای از زندگی جمعی ساکنین در این مراکز رخ می‌دهد.	مرکز محله
	عناصر فرهنگی	خانه‌های گرگان برخلاف نمونه‌های یزد و کاشان دارای برون‌گرایی هستند و در طبقه دوم با اندامی اختصاصی روی به سوی مناظر جنگلی جنوب دارند.	دانه‌های برون‌گرا
	عناصر فرهنگی	کوچه‌ها با فرم‌های پیچیده و متکثر ناشی از برون‌گرایی خانه‌ها، شیب زمین و عملکرد و معانی شهری است. کوچه‌های گرگان دارای شخصیتی متمایز نسبت به دیگر بافت‌های شهری کهن ایران است.	کوچه‌هایی با اشکال متکثر
	عناصر فرهنگی	تکیه شاخص‌ترین عملکرد در مراکز محله است و چنان با مراکز محله ادغام شده که به سختی می‌توان آنها را از هم تمییز داد. تکیه‌های گرگان با شکلی مشابه در طبقات فوقانی و نمایی شیشه‌ای و رو به مرکز تشخیص یافته است.	تکیه
	عناصر فرهنگی	درخت نمادین، در مرکز هندسی محله از شاخص‌ترین نشانه‌های محلات گرگان بوده است. این درختان به لحاظ فرمی شاخص و به لحاظ مفهومی تداعی‌کننده هستند.	درخت نمادین



تصویر ۳. تکرر مصالح و برونگرایی دانه‌ها در محلات گرگان، مأخذ: سارا شکوه، ۱۳۹۸.



معیار درجه ۱



معیار درجه ۲

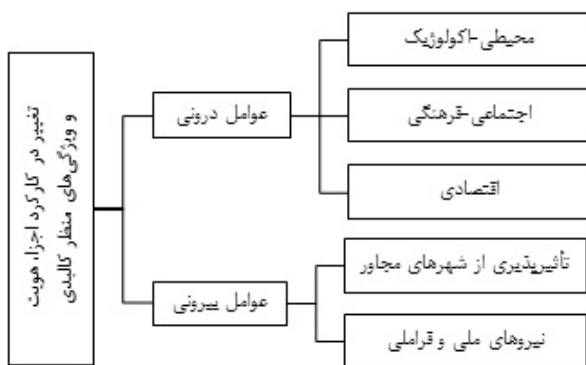
تصویر ۴. تناسب مقطع کوچه‌های گرگان: در شریان‌های درجه یک این نسبت بین ۱ و ۵، ۵ متغیر است. بناهای موجود غالباً دارای تراکم طبقاتی یک تا دو طبقه هستند و عرض معابر نیز از ۳ تا ۳،۵ متر متغیر است. در شریان‌های درجه دو از آنجا که عرض معابر تقریباً ۲ متر است. این نسبت بین ۱،۵ و ۳ متغیر می‌کند، مأخذ: نگارندگان.

دیگر عناصر منظر محلات، «دانه‌های مسکونی» هستند. خانه‌ها در کوچه‌های محلات گرگان - بر خلاف نمونه‌های یزد و کاشان - دارای برون‌گرایی هستند و در طبقه دوم با اندامی اختصاصی روی به سوی مناظر جنگلی جنوب دارند. از طرفی برون‌گرایی عملکردی با اثرگذاری بر کالبد موجب حضور مصالح و فرم‌های متنوع در نمای «کوچه‌ها» شده است. از آنجایی که تناسبات، مصالح و تکنیک‌های به کار رفته در این اقلیم - حضور چوب، آجر، ساروج، سفال شیروانی و... - نیز منحصر به این مکان است (تصویر ۴)، می‌توان منظر متمایز از کوچه‌ها ادراک نمود و کوچه‌های گرگان را یکی دیگر از عناصر منظر محلات گرگان دانست (زارعی، میرزاعلی و حسینی، ۱۳۹۴). در آخر حضور درختی گزیده‌شده در محلات گرگان یکی از بارزترین شاخصه‌های منظر آن است. شواهد بیانگر آن است که در گذشته تمامی مراکز محله گرگان با «درختی نمادین» - که به طور غالب چنار بوده‌است - در مرکز هندسی آنان معین می‌شدند. اگرچه عموم این درختان

محلّه را هدف قرار داده بود سبب شد مفهوم سنتی محلّه در نظام شهری جدید به تدریج متزلزل شود و به تبع آن کارکردها و مزایای محلّه همچون: هویت‌بخشی به ساکنان، خودکفایی و کنترل مردمی و همبستگی اجتماعی نیز بی‌معنا شود (همان). عوامل و الزامات مؤثر بر تغییر منظر در هر مکان و فضایی متناسب با الزامات فضایی محیط متفاوت از سایر مکان‌هاست، اما همواره مجموعه عوامل با شدت و ضعف‌های مختلف بر این مهم تأثیرگذار بوده‌اند. برخی از مهم‌ترین عوامل و محرک‌های تغییر منظر و چشم‌اندازهای جغرافیایی تغییر منظر را منوط بر تحول شش عامل اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، تکنولوژیکی، محیطی و اقلیمی، جمعیتی و شیوه معیشت و کاربری می‌دانند (کوکبی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین تصویر ۵، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر منظر کالبدی هستند که در دو قالب درونی و بیرونی به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم منجر به ایجاد تغییرات شده‌اند. به گونه‌ای که برخی با تغییر سبک زندگی به عنوان متغیر واسطه زمینه تغییر کالبدی را فراهم آورده و برخی مستقیماً سبب این تغییرات شده‌اند. در هر دو شکل زمینه برای تغییر منظر کالبدی فراهم شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

تحول منظر محلات گرگان

محلات به عنوان یکی از ارکان اصلی تشکیل‌دهنده شهرهای اسلامی و بستری شناخته شده که در شکل‌گیری خاطرات جمعی ساکنین با وجود اشتراکات یا تفاوت‌های قومی، نژادی، آئینی، صنفی و غیره نقش بسزایی داشته است. در محلات گرگان عوامل قومی، نژادی، آئینی و



تصویر ۵. تغییر در کارکرد اجزا، هویت و ویژگی‌های منظر کالبدی، مأخذ: احمدی و همکاران، ۱۳۹۷.

در دوره پهلوی با ورود ماشین از بین رفتند - امروز تنها درخت محلّه سبزه مشهد و سرچشمه به حیات خود ادامه می‌دهد - اما همچنان بازتاب هستی آن را می‌توان در اسامی محلاتی چون پاسرو، دو چنار و همچنین گذرهایی با نام چنار سوخته کشف نمود (جدول ۱).

تحول منظر محلات

پس از دوره قاجار به دلیل شکل‌گیری صورت‌بندی‌های جدید اجتماعی-اقتصادی در کشور، نظام شهری و به تبع آن محلّه دچار دگرگونی اساسی شد. رشد فزاینده و کنترل‌نشده شهری، افزایش مهاجرت‌ها به شهر، تغییر اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و به تبع آن مشکلاتی چون آلودگی اکولوژی، نابهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ‌شدن هویت و حس تعلق اجتماعی، نابرابری‌های اقتصادی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی، از جمله اتفاقات عمده‌ای بود که بر پیکره زندگی شهری وارد شد و تغییرات فراوانی در شکل و محتوای آن ایجاد نمود. این تغییرات گسترده که بنیان‌های شکل‌گیری

جدول ۲. مقایسه تناسب مرکز محله‌های شهر گرگان. مأخذ: موسوی سروینه باغی و دیگران، ۱۳۹۴.

محلّه	طول	عرض	نسبت طول به عرض (متر)	مساحت (متر مربع)
سبزه مشهد	۱۳،۵	۷	۱،۹۳	۸۹
سرچشمه	۲۳،۹۵	۲۷	۱،۳	۹۸۵
میخچه‌گران	۶۵،۵	۲۲،۹۶	۱،۰۴	۵۳۷
سرپیر	۳۱	۱۷	۳،۸۵	۱۳۵۲
پاسرو	۴۰	۲۴	۱،۳	۶۵۸
نعلبندان	۳۷،۴۵	۲۳	۱،۷	۸۳۶
دوشنبه‌ای	۲۲	۲۰،۴۶	۱،۸۳	۷۸۷
درب‌نو	۲۹،۵۴	۲۰،۷۳	۱،۶	۴۵۴
میدان	۷۲،۵	۱۸،۶۲	۱،۵۶	۴۸۲
میرکریم	۶۵،۴	۲۰،۴	۳،۵۵	۱۴۳۷
شازده قاسم	۴۴،۸۶	۴۸،۱	۱،۳۵	۲۲۸۴
شیرکش	۲۶،۱	۲۶،۰۵	۱،۷۲	۱۲۵۱
	۲۶،۴	۱۲،۴	۲،۱	۳۸۳
	۳۸،۴	۷،۸	۴،۹	۳۳۴

خطر انداخت. همچنین به دلیل نیاز به خدمات‌رسانی سریعتر از طریق مسیرهای جدید و اتصال شهر به نقاط پیرامونی یا شاخص -خیابان منتهی به کاخ- به مرور این مسیرها رقیب جدی برای گذرها و کوچه‌های درون محلات شدند و مخاطبان را از داخل بافت به سمت خود هدایت کردند. علاوه بر آن گسترش شهر به دلیل افزایش جمعیت نیز حاصل تغییرات خارجی بوده که متأثر از اتفاقاتی همچون مهاجرت به شهرها صورت گرفته است. با گسترش شهر، افزایش جمعیت و مهاجرت از روستا به شهر، تقاضای مسکن افزایش یافت درحالی که محلات نمی‌توانستند پاسخ‌گوی نیاز جمعیت جدید باشند. در نتیجه سکونتگاه‌های جدید خارج از مرز محلات شکل گرفتند یا عموماً تغییراتی در خانه‌های موجود در اطراف بافت صورت گرفت. این سکونتگاه‌ها با تکنولوژی روز همگام بوده و خدمات‌رسانی به ساکنین -دسترسی به آب برق گاز- را بهتر پاسخ می‌گفتند. در نتیجه تمایل به زندگی در این سکونتگاه‌ها بیشتر شد.

در مقابل، عواملی درونی نیز بر اضمحلال محلات مؤثر هستند. در روند تحول شهر و تغییر نیازهای ساکنین، آنچه به عنوان نظام عملکردی مراکز محله گرگان شناخته می‌شد تا حدود زیادی مطرود شد. در شهری که لوله‌کشی، آب را خانه به خانه انتقال می‌داد وجود آب‌انبار و حمام عمومی دیگر بی‌معنا بود. به همین منوال عناصری که اجزا و بدنه مراکز محله را تشکیل می‌دادند کم‌کم از دایره استفاده ساکنین خارج شدند. از یک طرف با خشک‌شدن سرچشمه آب موجود در محله سبزه مشهد، به عنوان یک زیرساخت آبی و مرکزیت تقسیم منابع آبی، کاربری خدماتی محله مورد پرسش قرار گرفت و از طرف دیگر ورود لوله‌کشی و تأمین نیاز آبی ساکنان به آب آشامیدنی و خدمات بهداشتی، ضرورت اتصال به مرکز محله به عنوان نقطه تقسیم منابع آبی را کاهش داد. علاوه بر آن، حذف اصناف و فروشگاه‌های محلی به عنوان عامل اقتصادی از عواملی هستند که هم تغییرات را از درون محلات حاصل کردند و هم بر حیات محلات اثر گذاشتند. به عبارتی پس از صنعتی‌شدن شهر گرگان، با تولید انبوه محصولات و حضور فروشگاه‌های بزرگ با کالاهای متنوع، اقتصاد سنتی محله دچار تنش شده است. ضمن اینکه با تغییر فن‌آوری، بسیاری از ابعاد اقتصادی محلات قادر به تطبیق با شرایط جدید نبودند و این مسئله موجب حذف برخی اصناف (میخچه‌گری، نعلبندی و ...) و محوشدن ابعاد اقتصادی محلات شد. چنان‌که امروزه کاربری‌های تجاری خردی که در جداره مراکز محله شکل گرفته

صنفی از عوامل شکل‌گیری محلات بوده است؛ به گونه‌ای که اکنون نام بسیاری از محلات چون میخچه‌گران و نعلبندان -همبستگی صنفی- یا سبزه مشهد، سرخواجه، سرپیر -همبستگی آئینی- برگرفته از اهمیت این اشتراکات است. از طرفی مراکز محله مکان‌هایی اشتراکی برای بروز خدمات جمعی ساکنین آن بوده است. وجود تکیه‌های مستقل، دهانه‌های تجاری به منظور تأمین نیاز روزانه ساکنین، خدماتی چون حمام و آب‌انبار از جمله آن است. همچنین در شکل‌گیری ساختار محله‌ای، شبکه ارتباطی آن مانند راه‌های اصلی پرپیچ و خم و کوچه‌های شرقی-غربی ضرورتی است که محلات را به ساختار اصلی شهر متصل می‌نمایند. با این حال امروزه به نظر می‌رسد محلات گرگان رو به سوی اضمحلال دارند و روز به روز از رونق آنها کاسته می‌شود به گونه‌ای که با وجود حفظ کالبد این محلات سنتی، نشانی از زندگی روزمره، حیات و پویایی در آنها دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد منظر محلات گرگان دچار تحولات بنیادین شده و با از میان رفتن مؤلفه‌های بنیادین محلات، منظر آن نیز به زوال می‌انجامد.

شهرها و واحدهای خردتر آن یعنی محلات، همچون ارگانیک‌سازی زنده و پویا هستند که در بستر تغییر و تحولات بسیاری قرار دارند (کتابچی، حاجی‌پور و حسین‌پور، ۱۳۹۱). عوامل اضمحلال محلات سنتی گرگان را، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. تعدادی از مؤلفه‌ها از درون محلات نشأت گرفته و موجب تغییر در حیات محلات شده‌اند، تعدادی نیز از بیرون بافت محله و حتی شهر بر آنها تأثیر گذاشته است. ورود اتومبیل و به دنبال آن خیابان‌کشی‌های جدید در سطح شهر، تأثیر مستقیم بر ساختار و شاکله شهر گذاشتند. چنین عاملی از خارج شهر و به واسطه پیشرفت تکنولوژی و تغییرات بزرگتر در سطح کشور به محلات تحمیل شده است. ورود اتومبیل^۴ به شهرها و افزایش سرعت حمل و نقل موجب شد مسیرهای غیرمستقیم و با عرض متغیر موجود در محلات گرگان که معمولاً مرکز محله‌ای را به مرکز دیگر متصل کرده و دسترسی دو نقطه با فاصله را از طریق مسیرهای واسطه ممکن می‌ساخت، پاسخگوی این نیاز نباشد. به همین دلیل خیابان‌کشی در سطح شهر به جهت اتصال این نقاط به یکدیگر یا به نقاط دورتر و همچنین تسهیل دسترسی صورت گرفت. احداث خیابان‌های پهلوی و کاخ نیز منجر به از بین رفتن بخش زیادی از محله پاسرو و دیگر محلات در مسیر خود شد که چندپاره و زخمی‌شدن هر محله حیات آن را به

شهرها، موجب شد تا منابع آبی برای تأمین نیازهای جمعیت جدید پاسخگو نباشد. همچنین عناصر منظر فرهنگی گرگان، شامل مرکز محله، دانه‌های برون‌گرا، کوچه‌های متکثر، تکیه و درخت نمادین را می‌توان توسط مؤلفه‌های فوق‌الذکر مورد بررسی قرارداد. نخست، مرکز محله به عنوان شاخص‌ترین عنصر منظر محلات گرگان، با ورود اتومبیل به شهرها، به اجبار برای حضور سواره مناسب‌سازی شده و برخی از ویژگی‌های هویتی آنها دستخوش تغییر شد. همچنین به دلیل آنکه بسیاری از دانه‌ها برای حضور ماشین طراحی نشده بودند، این مراکز جایگزینی برای پارکینگ‌های عمومی در این محلات شد. از طرفی با تغییرات محیطی و اکولوژیکی، بعد خدمات‌رسانی محلات به عنوان مرکزی برای تقسیم منابع آبی کم‌رنگ شد. همچنین با تغییرات اقتصادی و حضور فروشگاه‌های جدید با تنوع کالای بیشتر در شهر، خدمات معیشتی خرد از محلات رخت بریستند. پس از آن، دانه‌های برون‌گرا، به عنوان عناصر منظر فرهنگی، با ورود ماشین به شهر، در برخی از نقاط دچار تعریض شدند و هویت تاریخی جداره‌ها و همچنین برخی از عملکردهای پیرامونی دانه‌ها مغشوش شد. پس از آن نیز با افزایش مهاجرت و جمعیت شهری، در شیوه‌های ساخت و ساز پیشین تغییرات جدی صورت گرفت و آپارتمان‌های چندطبقه‌ای که به جای ساخت‌های پیشین انجام شد دارای کیفیت‌های متفاوتی بودند. متعاقب آن منظر کوچه‌ها نیز تحت تأثیر این دو عامل متحول و

است به سبب منطبق‌نبودن با نیازهای معیشتی اصلی ساکنین محله، از رونق چندانی برخوردار نیست. با وجود حفظ کالبد در بخش‌هایی از بافت تاریخی مراکز محله در گرگان، محله از کل کوچکی که قادر به پاسخگویی به نیازهای ساکنینش بود به فضایی برای پارک اتومبیل تبدیل شده است.

بحث

اگر شاخص‌ترین نیروهای محرکه تحولات منظر را بر چهار عامل درونی و بیرونی (جدول ۳) تصور کرد، می‌توان عناصر منظر گرگان را براساس آن، این‌چنین بررسی نمود. ابتدا منظر طبیعی از طریق دو معیار شیب زمین و زیرساخت‌های آبی بررسی شد. به نظر می‌رسد عنصر شیب زمین، تغییرات تکنولوژیکی و ورود اتومبیل به شهرها به اجبار با احداث خیابان‌های مستقیم‌الخط و استاندارد در بخش‌هایی دچار انقطاع شدند و در بخش‌هایی نیز با تسطیح یکپارچگی شیب طبیعی زمین از میان رفت. پس از آن عنصر زیرساخت‌های آبی هم‌زمان تحت تأثیر دو عامل قرار گرفت؛ نخست، عاملی درونی بود که تحت تأثیر تغییرات محیطی و اکولوژیک - خشک‌شدن آب سرچشمه‌های موجود - موجب از میان‌رفتن زیرساخت آبی شد. هم‌زمانی این اتفاق با تغییر نظام آب‌رسانی و رواج فن‌آوری لوله‌کشی، ضرورت نگهداری و ترمیم زیرساخت‌های پیشین را مورد تردید قرار داد. علاوه بر آن تغییرات اجتماعی-فرهنگی و افزایش مهاجرت به

جدول ۳. نیروهای محرکه تحولات منظر گرگان. مأخذ: نگارندگان.

	نیروهای محرکه تحولات منظر	علت	معلول	پیامد
عوامل بیرونی	تغییرات تکنولوژیکی	ورود اتومبیل به شهرها	نیاز به افزایش سرعت حمل و نقل	احداث خیابان‌های مستقیم و از بین بردن بخشی از بافت محلات
	تغییرات اجتماعی-فرهنگی	مهاجرت به شهرها و افزایش جمعیت	گسترش شهر	ایجاد سکونتگاه‌های جدید خارج از بافت محلات
عوامل درونی	تغییرات محیطی و اکولوژیک	خشک‌شدن آب سرچشمه‌های موجود	عدم دسترسی آسان به آب شرب در نظام محله‌ای	مهاجرت به خارج از محلات که دسترسی به آب لوله‌کشی دارد.
	تغییرات اقتصادی	اضمحلال اقتصاد سنتی و جایگزینی نظام اقتصادی صنعتی با حضور فروشگاه‌های بزرگ با کالاهای متنوع و هزینه کمتر	حذف برخی اصناف و مغازه‌های محلی	ضربه به چرخه اقتصادی محلی

مسیری آیینی شکل می‌گیرد که بر سازمان فضایی پیشین شهر سوار است و مراکز محله را به هم متصل می‌نماید (نک. تصویر ۲).

نتیجه‌گیری

محلات به عنوان یکی از ارکان اصلی تشکیل‌دهنده شهر ایرانی شناخته شده است. بافت قدیمی گرگان نیز دارای محوریت محلات بوده به گونه‌ای که حیات شهر به پویایی محلات آن وابسته بوده است. به نظر می‌رسد در سده اخیر با تحولات بنیادین در شهر گرگان این عناصر هویت‌بخش رو به نابودی است. با این حال شناخت منظر محلات گرگان می‌تواند گامی در جهت شناخت و آسیب‌شناسی به منظور احیای این بافت قرار گیرد. همچنین می‌توان شاخص‌ترین عناصر منظر گرگان را در دو دسته معنایی عناصر طبیعی - شامل شیب زمین و زیرساخت آبی- و عناصر فرهنگی شامل - مرکز محله، دانه‌های برون‌گرا، کوچه‌های متکثر، تکیه و عناصر نمادین- طبقه‌بندی نمود. همچنین به منظور آسیب‌شناسی و ارزیابی می‌توان تحولات منظر محلات را تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی مورد بررسی قرار داد. مطابق **جدول ۴**، به نظر می‌رسد تمامی عناصر منظر طبیعی و فرهنگی تحت تأثیر تحولات منظر دستخوش آسیب‌هایی متعددی شده‌اند. با این حال اگرچه منظر مراکز محله دچار بیشترین تأثیر از عوامل تحول شده‌اند ولی تکایا که فضاهایی درهم‌تنیده با مراکز محلات گرگان هستند، به دلایل آیینی در مقابل تحولات پایدار بوده‌اند. در انتها به نظر می‌رسد بتوان با اتکا به آسیب‌شناسی‌های عوامل تحول، به ارزیابی منظر امروز محلات گرگان دست یافت و همچنین روش‌ها و اقداماتی هدفمند به منظور احیا و باززنده‌سازی این محلات تدوین کرد.



تصویر ۷. تکیه سیدعباسعلی.
عکس از: آذرنوش امیری، ۱۳۹۸.

مقطع کوچه در هردوی این عوامل دچار دگرگونی شد. درخت نمادین مراکز محله نیز در ورود اتومبیل به شهر به عنوان مانع انگاشته شده و به منظور تسهیل عبور آن از میان برداشته شد. همچنین خشک‌شدن منابع آبی طبیعی مراکز محله از عواملی بود که به لحاظ اکولوژیکی تأثیر عمیقی بر پوشش‌های گیاهی مراکز محله گذاشت. در این میان به نظر می‌رسد تکایا، به عنوان عاملی آیینی کمترین تأثیر را از عوامل فوق پذیرفته‌اند. چنان‌که در میان تمامی عملکردهای مرکز محله آنچه با گذشت زمان تغییر نیافته و همچنان قابل جمع‌پذیری با زندگی امروز است، عملکردهای آیینی است که در قالب تکیه خود را به نمایش می‌گذارد و موجب حیات نسبی مراکز محله شده است. از طرفی وجود ساختار ذهنی که تحت عنوان موضوعات آیینی و قوانین شرعی بروز می‌یابد توانسته است از حیات این مراکز تا حد زیادی صیانت نماید. از آنجا که اغلب تکیه‌ها در گرگان وقف عام هستند، تخریب یا فروش آنها ممکن نیست. به عبارتی این تکیه‌ها توسط نیروی خودجوش مردمی و توسط خردجمعی حفاظت می‌شوند. چنان‌که نظیف می‌آورد: «این تکایا همه ساله در ایام محرم محلی است که اعضای خانواده خصوصاً بزرگان فامیل را دورهم جمع می‌کند تا برنامه‌ریزی برگزاری مراسم محرم که خود سبک و سیاق خاصی دارد را مدیریت کند و به نوعی مناسبات یکسال محله و فامیل را رقم بزند. احترام به بزرگتر، رعایت سلسله مراتب، پیگیری و رفع و رجوع مشکلات احتمالی در فامیل و محله، حس تعلق اعضا به یکدیگر، مشارکت همگانی در مدیریت مرکز محله و ارتباطات و مبادلات فرهنگی بین محله‌ای از پیامدهای مثبت این تجمع‌هاست» (نظیف، ۱۳۹۰)؛ (تصاویر ۶ و ۷). لازم به ذکر است که در ایام محرم مردم از سراسر شهر در مراکز محله حضور می‌یابند، میان تکیه‌ها



تصویر ۶. اهمیت وقف: سردر تکیه سیدعباسعلی.
عکس از: آذرنوش امیری، ۱۳۹۸.

جدول ۴. ارزیابی عناصر منظر محلات شهر گرگان در دوران تحول. مأخذ: نگارندگان.

عوامل بیرونی		عوامل درونی	
تغییرات تکنولوژیکی (ورود اتومبیل به شهرها)	تغییرات اجتماعی - فرهنگی (مهاجرت به شهرها و افزایش جمعیت)	تغییرات محیطی و اکولوژیک (خشک شدن آب سرچشمه‌های موجود)	تغییرات اقتصادی (حضور فروشگاه‌های جدید با تنوع کالا بالا و هزینه کم)
عناصر طبیعی	انقطاع و تسطیح یکپارچگی شیب زمین	-	-
عناصر فرهنگی	زیرساخت آبی	افزایش نیاز به منابع آبی	از میان رفتن زیرساخت آبی همزمان با تغییر نظام آبرسانی با رواج فن آوری لوله‌کشی
عناصر فرهنگی	مرکز محله	-	تضعیف کاربری‌های خرد مراکز محله و از بین رفتن بعد تجاری-خدماتی
عناصر فرهنگی	دانه‌های برونگرا	تغییر در شیوه‌های ساخت و تمایل به آپارتمان سازی	از بین رفتن بعد خدماتی محله به منظور ایجاد خدمات آبرسانی
عناصر فرهنگی	کوچه‌هایی با اشکال متکثر	تغییر مقطع کوچه با تغییر ارتفاع و تراکم ساخت در کوچه‌ها	-
عناصر فرهنگی	تکیه	-	-
عناصر فرهنگی	درخت نمادین	به منظور سهولت عبور اتومبیل درخت آئینی از میان رفت.	خشک شدن درختان در مراکز محله

عناصر منظر محلات گرگان

این تحول سراسری نامید.

پی‌نوشت‌ها

۱. دوران تحول اصطلاحی است که توسط ویکتور دانیل، بیژن شافعی و سهراب سروش‌یانی برای اشاره به دوره‌ای زمانی در معماری و شهرسازی ایران اطلاق شد و با توجه به مشابهت مفهومی با بازه زمانی مورد پژوهش، توسط پژوهشگران مورد استفاده قرار گرفت. در معرفی آن آمده است: «معماری دوران تحول به دوره‌ای از معماری ایران می‌پردازد که تحول یکی از مشخصه‌های مستمر آن است. این دوره از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه قاجار شروع شده و تاکنون ادامه یافته است (<http://architecture-oct.com>).»
 ۲. این بافت در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در فهرست میراث ملی ایران با شماره ۴۱ به ثبت رسیده که محدوده آن منطبق بر محدوده قاجاری شهر استرآباد است (<https://www.irna.ir/news>).
 ۳. تکایای یکی از عناصر اصلی شهرهای عهد قاجار به شمار می‌آیند. در واقع تکایا مراکز محل‌های بودند که در ایام سوگواری و عزاداری مورد استفاده قرار می‌گرفتند. تکایای دوره قاجار مرکز تجمع ساکنان محله و عاملی در جهت ارتقای هویت محلی به شمار می‌آمدند. شهر گرگان به عنوان یکی از شهرهای مهم دوره قاجار دارای تکایای مهمی است که محله‌های قدیم شهر به گرد آنها شکل گرفته‌اند. این تکایا عبارتند از: تکیه پاسرو، تکیه نعلبندان، تکیه میخچه‌گران، تکیه سبزه‌مشهد، تکیه سرپیر معروف به عباس‌خانی، تکیه دوشنبه، تکیه دروازه‌نو، تکیه عباسعلی، تکیه بنی‌کریمی (موسوی سروینه باغی، مرادی و رنجبر، ۱۳۹۴).
 ۴. اگرچه عوامل دیگری نیز در ایجاد خیابان‌های جدید در شهرهای امروزی مانند موضوعاتی چون ورود زیباشناسی مدرنیستی، افزایش نظارت حاکمیت و ... نیز آورده شده است ولی می‌توان ورود خودرو را شاخص‌ترین عامل در

فهرست منابع

- احمدی؛ سوداب، صادقلو؛ طاهره و شایان، حمید. (۱۳۹۷). ارائه الگوی نظری مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر منظر و چشم‌انداز کالبدی روستاهای حاشیه کلانشهرها، کنفرانس بین‌المللی عمران معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، دانشگاه تهران، ایران.
- بحرینی، سیدحسین و مجدزاده، نرجس. (۱۳۹۲). بازشناسی مفهوم محله در ایران، با تأکید بر ابعاد و معیارهای برنامه‌ریزی، اولین همایش ملی معماری. همدان: شهرسازی و محیط زیست پایدار.
- براتی، ناصر. (۱۳۹۱). محله‌گرایی در تهران: راهی به سوی شهرسازی انسان‌گرا، مجله منظر، ۶ (۱۸)، ۲۸-۴۲.
- تقوایی، سید حسن. (۱۳۸۳). طراحی منظر بوم‌گرا در مناطق گرم و خشک ایران؛ الگوی واحد. رساله دکتری، دانشکده

برنظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. *باغ نظر* ۷ (۲۳)، ۱۵-۲۴.

- مطهری‌راد، مه‌ری. (۱۳۹۵). مؤلفه‌های مؤثر بر ادراک و ارتباط بصری در منظر شهری تاریخی، هفت شهر، (۵۵-۵۶)، ۱۶-۳۲.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۹۴). *سیر تاریخی معماری شش هزار ساله گرگان و استرآباد*. تهران: سفیر اردهال.
- مقسمی، گلشن و اسپو محلی، مریم. (۱۳۹۵). گردشگری مذهبی مراسم آیینی محرم در بافت تاریخی گرگان. *مطالعات فرهنگی*، (۵)، ۵۰-۶۲.
- موسوی، سیدیعقوب. (۱۳۹۱). محله نوین: الگوی جامعه‌شناسی شهری از توسعه محله‌ای. *مجله منظر*، (۱۸)۶، ۳۰-۴۰.
- موسوی سروینه باغی، الهه سادات، مرادی، نینا و رنجبر، احسان. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی کالبدی میدان‌های مرکز محله در بافت تاریخی گرگان. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۲۱)، ۱۱-۲۲.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). چستی منظر شهری: بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران. *مجله منظر*، ۴ (۹)، ۲۵-۳۵.
- نظیف، حسن. (۱۳۹۰). نقش تکایا در پایداری کالبدی بافت تاریخی گرگان. *اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی*، تبریز، ایران.

معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی. ایران.

- دونادبو، پیر. (۱۳۹۲). منظر به مثابه دارایی مشترک. *مجله منظر*، ۹ (۲۳)، ۱۷-۲۶.
- حسینی، سیدفخرالدین و سلطانی، مه‌رداد. (۱۳۹۷). تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوهای مشابه (جایگزین) دوره معاصر. *باغ نظر*، ۳ (۱۵)، ۱۵-۲۵.
- زارعی، مرضیه، میرزاعلی، محمد و حسینی، کیمیا. (۱۳۹۴). *تحلیلی بر گونه‌شناسی خانه‌های سنتی در بافت تاریخی گرگان، همایش ملی و شهرسازی ایران*. یزد، ایران.
- عبدالهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، (۷۲)، ۱۲-۲۶.
- کوبکی، لیلا، اکرمی، غلامرضا، بدری، سیدعلی و رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۳). مروری بر تغییر شکل منظر فرهنگی از دیدگاه اکولوژی، اقتصادی-اجتماعی؛ مطالعه منظرهای شهری-روستایی اتحادیه اروپا. *مجله مسکن و محیط روستا*، (۱۴۷)، ۳۵-۵۰.
- کتابچی، عماد؛ حاجی‌پور، خلیل و حسین‌پور، محمد. (۱۳۹۱). شهرسازی نوین، راهی به سوی ایجاد محلات پایدار. *مجله منظر*، ۶ (۱۸)، ۴۱-۵۲.
- ماهان، امین و منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

همتی، مرتضی؛ امیری، آذرنوش؛ نفیسی، غزال؛ شکوه، سارا؛ پوربلورچیان، الهام و احسانی اسکوتی، سیده فرزانه. (۱۳۹۹). *بازشناسی و ارزیابی عناصر منظر محلات شهر گرگان در دوران تحول*. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۸ (۲۷)، ۲۷-۳۸.

DOI: 10.22034/jaco.2020.217703.1140

URL: http://www.jaco-sj.com/article_105126.html

